بیت فاطمه (س)

آیا درست است که خانه حضرت زهرا (س) در مسجد باز می شده و نمازگزاران مسجد در آتش زدن آن شرکت کردند؟

سید کاظم فلاح زاده

پاسخ

آشنایی با موقعیت مکانی حوادث تاریخی، تأثیر بسیاری در درک این وقایع و شناخت ابعاد آن‌ها دارد. حادثهٔ مهم هجوم به خانهٔ حضرت زهرا (سلام الله علیها) یکی از حوادث مهمّ در صدر اسلام است که سؤالات و شبهات بسیاری درباره آن مطرح بوده و هست. یکی از سؤالاتی که منشأ برخی شبهات نیز قرار گرفته، محل وقوع این حادثه است و این‌که منظور از «بیت فاطمه» که هجوم به آن رخ داده، کدام خانه است و چه موقعیتی داشته است. در پاسخ، دو احتمال مطرح شده است: خانه‌ای کنار مسجد النبی (ص) و خانه‌ای در ناحیهٔ بقیع.

۱ _ خانهٔ کنار مسجد النبی

یکی از نخستین اقدامات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از هجرت به مدینه، ساخت مسجد النبی بود. همزمان با ساخت این مسجد، حجره‌هایی برای سکونت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و برخی از همسران آن حضرت متصل به مسجد ساخته شد و به دنبال آن، برخی از صحابه که توانایی داشتند، حجره‌ای در کنار مسجد ساختند. این حجره‌ها علاوه بر دری که به سمت بیرون داشت، دری نیز به سمت مسجد داشتند و در وقت نماز، صاحبان آن از این درها وارد مسجد می‌شدند و دوباره از همان در به خانه-هایشان بر می-گشتند. حارثة بن نعمان نیز حجره‌ای در کنار مسجد داشت که بعد از ازدواج حضرت زهرا و امیر المؤمنین، آن را در اختیار آنان قرار داد. ماجرای معروف «سد الابواب»، به همین خانه مربوط است که در سال سوم هجری، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از سوی خدا مأمور شد که همه ورودی خانه ها به مسجد، غیر از در خانه امیرالمومنین علیه‌السّلام را مسدود کند.

تعداد درهای این خانه

شواهد و قرائن، حاکی از آن است که تمام خانه‌های اطراف مسجد، دارای دو یا چند در بودند که تنها یکی از آن درها به سمت مسجد باز می-شد. اگر این خانه-ها راهی جز به مسجد نمی داشت، در ماجرای سد الابواب و بسته‌شدن ورودی آنها به مسجد، ساکنین آنها در خانه محبوس می شدند. به همین منوال، خانه امیرالمومنین علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها نیز دو در داشت: یکی به سوی غرب که به درون مسجد باز می‌شد و دیگری به سوی شرق که به کوچه باز

می‌شد و این در، هم‌اکنون کنار باب جبرئیل قرار دارد[1] و هنوز هم محلّ آن مشخص است (البته با توسعه مسجد در دوره‌های بعد، این قسمت از کوچه نیز به مسجد ملحق شده و هم اینک آن در نیز در واقع به درون مسجد باز می‌شود).[2]

البته این خانه پشت خانه پیامبر صلی الله علیه و آله بود و یک منفذ هم به خانه پیامبر داشت که آن حضرت از این طریق، از احوال آنان باخبر می‌شد.[3]

در منابع شیعه و سنی تصریح شده که خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد که به غیر از خانه-ی امیرالمومنین علیه السلام، تمامی درهایی که به مسجد باز می‌شوند، بسته شوند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده: «خداوند به رسولش صلی الله علیه و آله امر کرد: مسجد خود را پاکیزه دار و آنان که در مسجد خفته-اند را بیرون کن، و فرمان بده تا هر در که از خانه‌ها به مسجد گشوده شده، مسدود شوند؛ مگر دری که از خانه علی گشوده شود، و این گونه مسکن فاطمه را به حال خود بگذار».[4] طبق روایتی از سعد وقاص، عمر بن خطاب نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! صحابه و عموهایت را از مسجد بیرون کردی؛ ولی این شخص کم سن و سال را ساکن مسجد کردی؟! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اخراج شما و باقی گذاشتن او به نظر شخصی من نبود؛ بلکه خدا دستورش را داده بود».[5] برخی از صحابه مانند عمر بن خطاب،[6] پسرش عبدالله،[7] سعد بن ابی وقاص[8] نیز به صراحت، مسدود نشدن درب خانه امیرالمومنین علیه السلام را فضیلتی بزرگ برای وی شمرده اند و آرزو می کردند چنین امتیازی می داشتند.

این گونه روایات و گزارش-ها، باعث شهرت این در به سبب فضیلت آن شده است؛ اما این گونه ثابت نمی-شود که اکثر رفت و آمدها و مراودات از این در صورت می-گرفته -است.

از همان روایاتی که بسته نشدن درب خانه-ی امیرالمومنین علیه السلام را به عنوان یک فضیلت معرفی نموده، روشن می-شود که این خانه راه ورودی دیگری داشته؛ چراکه اگر این خانه تنها یک راه خروج داشت و به این سبب استثنا شده بود، دیگر مسدود نشدن آن فضیلتی نداشت، تا دیگران غبطه‌اش را خورده و آرزوی چنین امتیازی را داشته باشند.

---

۱. محمّد محمّد حسن شُرّاب، فرهنگ اعلام جغرافیایی ـ تاریخی در حدیث و سیره نبوی، ترجمه: حمیدرضا شیخی، تحقیق: محمدرضا نعمتی، قم، نشر مشعر، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۵۰. (این مطلب از اضافات محقق کتاب است)

۲. در گزارشی به نقل از سمهودی آمده که این خانه تنها یک در داشته و آن هم داخل مسجد بوده است: «و بیت علی لم یکن له باب إلا من داخل المسجد». (سمهودی، نور الدین علی بن أحمد، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۲۰۰۶ م. ج۲،ص۶۴) گویا وی این خانه را در زمان خودش (قرن نهم) توصیف کرده باشد؛ و مراد او این نبوده که این خانه از همان ابتدا دارای یک در بوده باشد.

۳. ۱- أما بَیت فَاطِمَه رَضِی الله عَنْهَا فَإِنَّهُ کَانَ خلف بَیت النَّبِی صلی الله عَلَیْهِ وَسلم عَن یسَار الْمصلی إِلَی الْقبْلَه، وَکَانَ فِیهِ خوخه إِلَی بَیت النَّبِی صلی الله عَلَیْهِ وَسلم، وَکَانَ رَسُول الله صلی الله عَلَیْهِ وَسلم إِذا قَامَ من اللَّیْل إِلَی الْمخْرج اطلع مِنْهُ یعلم خبرهم، ابن ضیاء، محمد بن احمد، تاریخ مکه المشرفه و المسجد الحرام و المدینه الشریفه و القبر الشریف، محقق، ازهری، ایمن نصر و ازهری، علاء ابراهیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۸ق ، ج ۱، صص ۲۶۹ - ۲۷۰.

٤. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۴۰.

٥. همان.

٦. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۳۵.

۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۷۹ق، ج ۷، ص ۱۵.

۸. نسائی، احمد بن شعیب، السنن الکبری، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۴۲۳.

به علاوه، در مورد علت استثنا شدن خانه-ی امیرالمومنین علیه السلام از سایر خانه-ها، گفته شده که به تصریح آیه-ی تطهیر اهل این خانه از هرگونه آلودگی ظاهری و باطنی پاکیزه بودند، به همین جهت این خانه از سایر خانه-ها متمایز گشتند. [۹] با این حال در این خانه خدمه-هایی حضور داشتند یا افرادی با اهل این خانه مراوده داشتند که شرایط عبور و مرور از مسجد را نداشتند؛ لذا می-بایست درب دیگری برای این خانه باشد تا آن-ها بتوانند از آن رفت و آمد کنند.

ابوهریره گزارش می‌کند: «هنگام ظهر بود که با پیامبر صلی الله علیه و آله به بازار قینُقاع رفتیم ... و پیامبر در فناء خانه فاطمه نشست».[۱۰] منظور از «فناء خانه»، مکان نسبتاً وسیعی است که در مقابل خانه قرار دارد.[۱۱] در نتیجه، این «در» و این «فضای بزرگ پیرامون آن»، درون مسجد نبوده و گر نه، ابوهریره می بایست این گونه گزارش می‌کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله به درون مسجد رفت و در داخل مسجد و مقابل درب خانه فاطمه سلام الله علیها ایستاد.

۲ ـ خانه ای در بقیع

گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که خانه‌ی کنار مسجد، کوچک بود و با بزرگ شدن فرزندان امیرالمومنین علیه السلام و آمدن کنیزان و سایر رفت و آمد-هایی که به این خانه- می-شد، آن خانه محل مناسبی برای زندگی نبود؛ لذا امیرالمومنین علیه السلام خانه-ی دیگری در بقیع ساخت و همزمان در این دو خانه رفت و آمد داشتند.[۱۲] چنانکه سمهودی در مورد محل دفن حضرت زهرا سلام الله علیها تصریح می-کند که امیرالمومنین علیه السلام خانه-ی دومی در نزدیکی بقیع داشتند و احتمال می-دهد که حضرت زهرا سلام الله علیها آن جا دفن شده باشند.[۱۳]

ماجرای هجوم در کجا رخ داد؟

برخی از محققان با بررسی قرائن و شواهد نشان داده‌اند که ماجرای اجتماع عده‌ای از مهاجرین و انصار در مخالفت با بیعت ابوبکر و هجوم به خانۀ امیر مؤمنان (ع) و حضرت زهرا (س)، مربوط به همین خانه دوم بوده که در ناحیۀ بقیع قرار داشت و نه در آن بیت کنار مسجد.[۱۴] با این حساب، قضیۀ دخالت نمازگزاران مسجد النبی در واقعه هجوم و آتش زدن درب خانۀ حضرت زهرا (س)، منتفی است.

شایان توجه است یکی از اشکالاتی که از دیرباز بر شیعیان وارد شده، این است که اگر عمر دستور به آتش زدن خانه حضرت زهرا (س) داده بود، باعث آتش گرفتن مسجد و قبر رسول خدا (ص) و حجرات همسران پیامبر می‌شد که در کنار بیت فاطمه قرار داشتند؛ به ویژه آن‌که سقف این حجرات مجاور مسجد از شاخه‌های خشک و قابل اشتعال ساخته شده بود و آتش انداختن به یکی از این حجرات، به آتش گرفتن همۀ آن‌ها و حتی مسجد و قبر پیامبر (ص) منجر می‌شد و قابل تصور

---

۹. ر ک: ابن‌کثیر، اسماعیل بن کثیر، البدایه والنهایه، بیروت، انتشارات دارالفکر، بی تا، ج۷، ص۳۴۲.

۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دار طوق النجاه، چاپ اول، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۶۶.

۱۱. ابومحمد، محمود بن احمد، عمده القاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۲۳۹.

۱۲. ر. ک: ابوطالبی، عمار، «بیت‌الاحزان» یا «مسجد فاطمه» و واکاوی ماهیت تاریخی آن، پژ.هش-نامه حج و زیارت، دوره ۸، شماره ۱ – شماره پیاپی ۲۰، مرداد ۱۴۰۲، صفحه ۷۹-۱۰۶.

۱۳. «و فیه [یعنی بیت الحزن] قبرها علی أحد الأقوال کما قدمناه، و أظنه فی موضع بیت علی بن أبی طالب الذی کان اتخذه بالبقیع، و فیه الیوم هیئه قبور» ،سمهودی، وفاء الوفاء، ج۳، ص ۱۰۱.

۱۴. نجمی، محمدصادق، تاریخ حرم ائمه بقیع و آثار دیگر در مدینه منوره، قم، نشر مشعر، چاپ اوّل، ۱۳۸۰هـ.ش، ص ۱۶۱.

نیست که عمر بن خطاب چنین تصمیمی بگیرد و خود را در معرض اعتراض و نکوهش مردم قرار بدهد و این با کیاست و سیاست او و هر شخص دیگری سازگار نیست.[۱۵] با توضیحی که داده شد، این اشکال نیز از اساس رد می‌شود.

با این حال، اگر هم هجوم مربوط به آن بیت کنار مسجد بوده باشد، قطعاً با آن دری که داخل مسجد باز می‌شد، ارتباطی نداشته و همان گونه که برخی از محققان گفته‌اند،[۱۶] مربوط به آن دری بوده که به بیرون مسجد باز می‌شده است. چه بسا لازمه-ی آتش زدن درب داخل مسجد، این بود که خود مسجد هم آتش بگیرد؛ در حالی که این افراد می-دانستند که آتش زدن مسجد می-تواند عواقبی را برای آنان به دنبال داشته باشد. ازطرفی در هیچ منبعی ثبت نشده که از داخل مسجد حمله صورت گرفته و حال آن-که اگر چنین بود، می-بایست هجوم مسلمانان به مسجد و آتش زدن آن را، به عنوان طعن بر مخالفین مطرح می-کردند. بنابراین، هرچند نام افرادی که در منابع به عنوان مهاجمین ذکر شده غالباً مسلمانان سرشناسی مانند أبو بکر، عمر، عثمان، خالد بن ولید، مغیره بن شعبه، و أبو عبیده بن جراح، سالم مولی أبی حذیفه بودند[۱۷] که روزگاری با رسول خدا صلی الله علیه و آله مراوده داشتند و اهل مسجد و نماز بودند؛ اما اینکه هجوم از داخل مسجد صورت گرفته و همه-ی نمازگزارن در آن شرکت داشتند برخلاف قرائن و شواهد است.

نتیجه

امیر المؤمنین و حضرت زهرا (س) علاوه بر اتاق کنار مسجد النبی، خانه ای نیز در ناحیهٔ بقیع داشتند. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که ماجرای هجوم، در این خانه رخ داده و ربطی به مسجد نداشته است. اما اگر هم هجوم در همان خانهٔ کنار مسجد رخ داده باشد، آن خانه _ همانند دیگر خانه‌های صحابه در اطراف مسجد ـ دو در داشته (یکی به داخل مسجد و یکی به کوچه)و ماجرای هجوم به خانه نیز از درب داخل کوچه صورت گرفته است. پس به هر حال، قضیه حضور نمازگزاران مسجد در حادثه هجوم به بیت، معنا ندارد و نسبت دادن این فاجعه به همه نمازگزاران مسجد النبی، صحیح نیست.

جهت مطالعه-ی بیشتر:

_ مأساه الزهراء علیها السلام نوشته-ی سید جعفر مرتضی العاملی (ره) .

_ تاریخ حرم ائمه بقیع و آثار دیگر در مدینه منوره، محمد صادق نجمی

کلمات کلیدی: شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، درب خانه-ی حضرت زهرا سلام الله علیها، سد الابواب، مسجد النبی.

---

۱۵. فضل بن روزبهان شافعی، إبطال نهج الباطل، المطبوع ضمن «إحقاق الحقّ»، ۵۱۱ الطبعة الحجرية (نقل در: مظفر، محمد حسن، دلائل الصدق لنهج الحق، قم، تحقيق و نشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ج ۷، ص ۱۳۷ ـ ۱۳۸).

۱۶. عاملی، سید جعفرمرتضی، مأساه الزهراء علیها السلام، بیروت، دارالسیره، ۱۴۱۸ق، ج۱، ص۱۷۷.

۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیّاشی، چاپ اول، انتشارات المطبعه العلمیه، تهران، ۱۳۸۰ق، ج۲، صص ۶۶- ۶۷.